

The Identification of Institutional Factors Affecting Sustainability Reporting in the Iranian Oil Industry

Azam Mirzamani^{1*}, Alinaghi Amiri², Ali Hamidizadeh³, Elaheh Rezagholizadeh⁴

1. Assistant Professor, Faculty of Management & Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
2. Professor, Faculty of Management & Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
3. Assistant Professor, Faculty of Management & Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
4. PhD Student of Public Management, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: December 24, 2019; Accepted: April 26, 2020)

Abstract

The contemporary world faces many environmental, social, and economic challenges, the proper management of which depends on the attention and commitment of industries to sustainability reporting. The present study tried to identify the factors affecting sustainability reporting in the Iranian oil industry using qualitative content analysis method and relying on the institutional theory. Data were collected through taking notes of the relevant texts and semi-structured interviews with 10 social responsibility experts of the Iranian oil industry. Findings showed that coercive and normative factors affect sustainability reporting and mimetic factors do not affect this reporting. In other words, the structures, rules, and regulations of sustainability reporting by government and industry are coercive pressures for sustainability reporting. However, lack of the governmental oversight of reporting and the industry executives' negligence of it reduce the role of these pressures. Professional and scientific institutions exert normative pressures for sustainable reporting in the industry, but inattention of audit firms to this reporting moderates this pressure. Various reasons cause mimetic pressure not to affect the sustainability reporting in the Iranian oil industry, including its national structure. Therefore, it is recommended to pay attention to the type of organization in the assessment of mimetic pressures on sustainability reporting in various industries and countries and to develop audit criteria to evaluate the sustainability performance of oil companies and serious monitoring of sustainability reporting by policymakers and regulatory bodies.

Keywords

Sustainability reporting, Coercive factors, Normative factors, Mimetic factors, Iranian Oil Industry.

* Corresponding Author, Email: mirzaman@ut.ac.ir

شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت ایران

اعظم میرزمانی^{۱*}، علی‌نقی امیری^۲، علی حمیدی‌زاده^۳، الهه رضاقلی‌زاده^۴

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی و امور عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
 ۲. استاد گروه مدیریت دولتی و امور عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
 ۳. استادیار گروه مدیریت دولتی و امور عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
 ۴. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش تطبیقی و توسعه، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
- (تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷)

چکیده

جهان معاصر با چالش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی متعددی مواجه است که اداره و مدیریت مناسب آن‌ها در گرو توجه و تعهد صنایع به گزارش‌دهی پایداری است. در تحقیق حاضر تلاش شد با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با تکیه بر تئوری نهادی عوامل مؤثر بر گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت ایران شناسایی شود. داده‌ها از طریق فیش‌برداری از متون مربوطه و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران مسئولیت اجتماعی صنعت نفت ایران گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد در صنعت نفت ایران عوامل اجباری و هنجاری بر گزارش‌دهی پایداری اثر دارند و عوامل تقلیدی تأثیری بر این گزارش‌دهی ندارند. به بیان دیگر، ساختارها و قوانین و مقررات گزارش‌دهی پایداری در دولت و صنعت فشارهای اجباری برای گزارش‌دهی پایداری هستند. اما فقدان نظارت دولت بر گزارش‌دهی و بی‌توجهی مدیران صنعت به آن نقش این فشارها را کاهش می‌دهد. مؤسسات حرفه‌ای و علمی فشار هنجاری برای گزارش‌دهی پایداری در این صنعت ایجاد می‌کنند. اما بی‌توجهی شرکت‌های حسابرسی به این گزارش‌دهی این فشار را تعدیل می‌کند. صنعت نفت ایران به دلایل گوناگون، از جمله ملی بودن، برای گزارش‌دهی پایداری تحت تأثیر فشار تقلیدی نیست. بنابراین، توجه به نوع سازمان در اثرگذاری فشارهای تقلیدی بر گزارش‌دهی پایداری در صنایع و کشورهای گوناگون در تحقیقات و نیز تدوین معیارهای حسابرسی برای ارزیابی عملکرد پایداری شرکت‌های نفتی و نظارت جدی بر ارائه گزارش پایداری توسط خط‌مشی‌گذاران و نهادهای نظارتی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژگان

صنعت نفت ایران، عوامل اجباری، عوامل تقلیدی، عوامل هنجاری، گزارش‌دهی پایداری.

* رایانامه نویسنده مسئول: mirzaman@ut.ac.ir

مقدمه

در دهه‌های اخیر تأکید بر مسئولیت اجتماعی یا توجه و تعهد صنایع و کسب‌وکارها به تبعات اقتصادی و اجتماعی فعالیت‌هایشان افزایش یافته است. جهان معاصر با چالش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی متعددی مواجه است که اداره و مدیریت مناسب آن‌ها در گرو توجه و تعهد صنایع به تبعات زیست‌محیطی و اجتماعی فعالیت‌های آن‌هاست (Nwobu et al 2018: 72).

در مورد مسئولیت اجتماعی صنایع دو دیدگاه وجود دارد. بر اساس دیدگاه اول، مسئولیت اجتماعی صنایع منحصر به حفظ منافع سهامداران آن است. بر مبنای دیدگاه دوم، صنایع فقط در قبال سهامداران مسئول نیستند و در برابر منافع سایر ذی‌نفعان، از جمله جامعه، نیز مسئول‌اند (Zunker 2011: 18). دیدگاه دوم موجب پیدایش مفاهیم پایداری و گزارش‌دهی پایداری شد (زاهدی و نجفی ۱۳۸۵: ۴۸).

منظور از گزارش‌دهی پایداری تعهد صنایع به ارتقای توسعه اقتصاد پایدار از طریق مشارکت با کارکنان و اجتماعات محلی است (Nwobu et al 2018: 73). عوامل بسیاری بر گزارش‌دهی پایداری اثر می‌گذارند (Nwobu et al 2018: 74) که مشروعیت سازمانی (De Villiers & Van Staden 2006)، حضور و مشارکت مدیران ارشد شرکت‌ها (Dobbs & Van Staden 2016)، آموزش و دانش (رحمتی و همکاران ۱۳۹۶)، جامعه‌پذیری سازمانی (سلطان‌زاده و همکاران ۱۳۹۴)، و عوامل نهادی (Pedersen et al 2013: 359) اکبری و همکاران ۱۳۹۵؛ Nwobu et al 2018) از جمله آن‌هاست. با این حال، تحقیقات موجود نشان می‌دهند مطالعات اندکی از تئوری نهادی برای مطالعه گزارش‌دهی پایداری استفاده کرده‌اند (Vinke 2014: 30) که مطالعه آدامز (۲۰۰۲)، سولومون و لوئیس (۲۰۰۲)، دلماس و توفل (۲۰۰۴)، بینگتون و همکارانش (۲۰۰۹)، و نوبو و همکارانش (۲۰۱۸) از جمله آن‌هاست. هدف از تحقیق حاضر پر کردن این خلأ پژوهشی بود.

در تحقیق حاضر تلاش می‌شود با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با تکیه بر تئوری نهادی عوامل مؤثر بر گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت ایران شناسایی شود. بر اساس تئوری نهادی عوامل اجباری، هنجاری، تقلیدی صنایع را وادار به ارائه گزارش پایداری می‌کنند

(Nwobu et al 2018: 74). بنابراین، در این تحقیق تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود که آیا سیاست‌های دولتی و قانون‌گذاران صنعت نفت ایران را مجبور به گزارش‌دهی پایداری می‌کنند؟ آیا صنعت نفت برای ارائه گزارش پایداری از رهبران موفق این صنعت در داخل یا خارج از کشور تقلید می‌کند؟ و بالاخره آیا این صنعت برای ارائه گزارش پایداری تحت فشار شرکت‌های حسابداری و مؤسسات و تشکل‌های حرفه‌ای و دانشگاهی قرار دارد؟

اهمیت این تحقیق از بعد تئوریک آن است که با توجه به کم بودن تحقیقات بر پایه نهادگرایی اولین تحقیقی است که هدف آن شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر یک صنعت در کشور در حال توسعه ایران است. با توجه به اندک بودن مطالعات موجود در زمینه گزارش‌دهی پایداری در کشورهای در حال توسعه (Vinke 2014: 35)، یافته‌های این تحقیق می‌تواند به فهم گزارش‌دهی پایداری و عوامل نهادی مؤثر بر آن در کشورهای در حال توسعه کمک کند. از بعد کاربردی این تحقیق جزء معدود تحقیقاتی است که در آن گزارش‌دهی پایداری در یک صنعت ملی، یعنی صنعت نفت، مطالعه شده است. در اکثر تحقیقات موجود گزارش‌دهی پایداری در شرکت‌های خصوصی مطالعه شده‌اند (Grubnic & Ball 2007: 247). با توجه به تفاوت گزارش‌دهی در بخش عمومی و خصوصی (Jones 2010: 6)، یافته‌های این مطالعه می‌تواند به فهم عوامل مؤثر بر گزارش‌دهی پایداری در بخش عمومی کمک کند. صنعت نفت ایران در ابتدای راه اجرای مکانیسم‌های گزارش‌دهی پایداری است. صنعت نفت تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی بسیار زیادی دارد و گزارش‌دهی پایداری در این صنعت با موانع بسیار زیادی روبه‌روست. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به فهم واقع‌بینانه این موانع کمک کند. از بعد متدولوژیک، با توجه به ابعاد گوناگون مسئولیت اجتماعی سازمانی، استفاده از یک روش کیفی در طرح تحقیق و تحلیل داده‌ها این امکان را فراهم ساخته است تا با استخراج مفاهیم و مقولات عوامل نهادی مؤثر از یک رویکرد تفسیری بررسی شود.

بخش‌های آتی این مقاله شامل بازنگری پیشینه مربوطه، روش تحقیق، یافته‌ها، و بحث و نتیجه‌گیری در مورد آن‌هاست.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش گزارش پایداری

گزارش وضعیت پایداری در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار مطرح شد (Tavares 2018: 2). توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی، بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان، است (زاهدی و نجفی ۱۳۸۵: ۴۹). کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، که برای اولین بار این اصطلاح را ارائه داد، توسعه پایدار را توسعه‌ای تعریف کرد که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می‌کند (Hutchines & Sutherland 2008: 1688).

مفهوم گزارش پایداری در پیشینه پژوهشی توسعه پایدار با عناوین مختلفی همچون گزارش مسئولیت اجتماعی یا مسئولیت سازمانی یا گزارش شهروندی سازمانی یا گزارش همکاری توسعه پایدار مورد اشاره قرار می‌گیرد (Uwaoma & Ordu 2016: 2). طبق تعریف اتحادیه اروپا، گزارش‌دهی پایداری سازمانی عبارت است از اقدامات منسجم اجتماعی و زیست محیطی فعالیت‌های کسب‌وکار و روابط با همه ذی‌نفعان؛ اعم از کارکنان، سهامداران، جامعه (Leonidas et al 2012: 312). شورای جهانی تجارت در توسعه پایدار^۱ اعلام کرد گزارش‌دهی پایداری سازمانی تعهد شرکت‌ها در ارتقای توسعه اقتصاد پایدار از طریق مشارکت با کارکنان، خانواده‌های آن‌ها، اجتماعات محلی به طور عام نقش دارد که در نتیجه می‌تواند شاخص‌های زندگی عمومی را ارتقا دهد (Leonidas et al 2012: 312).

گزارش پایداری شامل شاخص‌هایی است که سازمان‌ها می‌توانند در اندازه‌گیری و گزارش عملکرد پایداری خود استفاده کنند. هدف از این گزارش ارائه اطلاعات مربوطه جهت تأمین اولویت کیفیت زندگی مردم، بدون در معرض خطر قرار دادن نسل آینده، است (کردلو و همکاران ۱۳۹۶: ۱۶۹). پایداری در معنای وسیع خود به توانایی جامعه، اکوسیستم، یا هر سیستم جاری برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود، بدون

1. World Business Council for Sustainable Development

اینکه به طور اجباری در نتیجه تحلیل رفتن منابعی که سیستم به آن وابسته است یا به دلیل تحمیل بار بیش از حد روی آن‌ها به ضعف کشیده شود (زاهدی و نجفی ۱۳۸۵: ۴۷).

عوامل مؤثر بر ارائه گزارش پایداری

عوامل بسیاری بر گزارش‌دهی پایداری اثر می‌گذارند که مشروعیت سازمانی (De Villiers 2006 & Van Staden)، حضور و مشارکت مدیران ارشد شرکت‌ها (Dobbs & Van Staden 2016)، آموزش و دانش (رحمتی و همکاران ۱۳۹۶)، جامعه‌پذیری سازمانی (سلطان‌زاده و همکاران ۱۳۹۴: ۱۶۷)، و عوامل نهادی (Pedersen et al 2013؛ اکبری و همکاران ۱۳۹۵؛ Nwobu et al 2018) از جمله آن‌هاست. با این حال، در مطالعات اندکی از تئوری نهادی برای مطالعه گزارش‌دهی پایداری استفاده شده است (Vinke 2014) که مطالعه آدامز (۲۰۰۲)، سولومون و لوئیس (۲۰۰۲)، دلماس و توفل (۲۰۰۴)، بینگتون و همکارانش (۲۰۰۹)، و نیوبو و همکارانش (۲۰۱۸) از جمله آن‌هاست.

نظریه نهادی با محیط تأثیرگذار بر سازمان از دو جنبه فنی و نهادی سروکار دارد. این نظریه فرض می‌کند فعالیت‌های شرکت‌ها در محیط به وسیله مجموعه‌ای از هنجارها، اعتقادات، و باورها شکل می‌گیرد و سازمان‌ها بر اساس پذیرش فشارهای نهادی اجباری و هنجاری و تقلیدی به طور اجتماعی مشروعیت و منابع را کسب می‌کنند و در نتیجه بقا می‌یابند (Scott 2008: 59). فشارهای اجباری نتیجه فشارهای غیر رسمی و رسمی سازمان‌های محیط بیرونی از جمله دولت و اتحادیه‌ها یا مجامع تجاری است. سیاست‌های دولتی، بازار سهام، و قانون‌گذاران صنعت نهادهایی هستند که فشارهای اجباری را برای ارائه گزارش پایداری وارد می‌کنند (Nwobu et al 2018: 74). فشارهای تقلیدی از واکنش‌های استاندارد برای کاهش عدم اطمینان ناشی می‌شود (Liang et al 2007: 62). منظور از تقلید پیروی و الگوبرداری سازمان‌ها از ساختارها و برنامه‌های یک‌دیگر است (Findik & Beduk 2014: 29). رهبران موفق صنایع و شرکت‌های زیرمجموعه خارجی نهادهایی هستند که فشارهای تقلیدی را برای ارائه گزارش پایداری ایجاد می‌کنند (Nwobu

et al 2018: 74). فشارهای هنجاری نتیجه حرفه‌ای‌گرایی^۱ است. فشارهای هنجاری با استانداردهای بنیان‌های اجتماعی و شناختی موجب تداوم و مشروعیت‌بخشی به رفتار اعضای سازمان و ساختار سازمانی آن‌ها می‌شوند. دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای، و سازمان‌های تجاری محیط نهادی با ارائه آموزش‌های مشابه و با وضع مقررات و استانداردهای حرفه‌ای رفتار سازمانی حرفه‌ای افراد را تغییر می‌دهند (Findik & Beduk 2014: 29). شرکت‌های حسابداری و عضویت در مؤسسات غیر دولتی نهادهایی هستند که فشارهای هنجاری را برای ارائه گزارش پایداری ایجاد می‌کنند (Nwobu et al 2018: 74).

گزارش‌دهی پایداری در سازمان‌های دولتی

اغلب مطالعاتی که تا کنون در زمینه گزارش‌دهی اجتماعی یا زیست‌محیطی انجام گرفته به عملکرد شرکت‌های خصوصی توجه کرده و سهم مطالعات مرتبط با این موضوعات در سازمان‌های بخش دولتی به نسبت کمتر بوده است. دو محقق به نام‌های گرینیک و بال (۲۰۰۷) در پژوهش خود این خلأ را هشدار دادند و مترصد فهم ماهیت پاسخگویی با رویکرد توسعه پایدار در سازمان‌های خدمات عمومی شدند. پژوهش آن‌ها نشان داد دستورالعمل‌های ارائه‌شده برای فعالیت‌های توسعه پایدار غالباً معطوف به بخش خصوصی است؛ درحالی‌که در سطح بین‌الملل حدود ۴۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی در بخش دولتی انجام می‌پذیرد. همچنین، سازمان‌های بخش دولتی برای تضمین گستره‌ای از خدمات سیاست عمومی ارائه می‌دهند. به همین دلیل دولت‌ها می‌توانند نقش محوری را در حرکت دادن جامعه به سوی آینده پایدارتر ایفا کنند (Gutheri & Farneti 2008: 361). گزارش توسعه پایدار می‌تواند توانایی تغییر در سازمان‌های دولتی را تحت تأثیر قرار دهد؛ مثلاً منجر به ادغام مسائل پایداری در برنامه‌ریزی استراتژیک شود (Adams & McNicholas 2007: 386).

گزارش‌دهی در بخش عمومی با بخش خصوصی تفاوت دارد. در بخش خصوصی عموماً گزارش‌دهی بر مبنای الزامات قانونی و استانداردهای صنعتی صورت می‌گیرد. اما در بخش دولتی گزارش‌دهی اغلب در اثر فشارهای سیاسی داخلی، توافقات بین‌المللی، روابط تجاری،

1. professionalism

اهداف، و نیاز به کاهش هزینه‌ها صورت می‌گیرد. چارچوب گزارش‌دهی پایداری در بخش خصوصی بر مبنای ملاحظات پیچیده زنجیره‌های ارزش و مدل‌های بهای تمام‌شده و تمرکز بر اثر مستقیم آن بر طبیعت، جامعه، یا اقتصاد گسترده‌تر تعیین می‌شود. در مقابل، در بخش دولتی پایداری در افقی جامع‌تر همچون پایش گزارش‌های فصلی در عمل، شناسایی شکاف‌ها، و نحوه بهبود اهداف اصلی سازمان در نظر گرفته می‌شود. همچنین، در پایداری بخش دولتی، تفاوت میان انواع سازمان‌های دولتی موجود، که هر یک مسئولیت متفاوتی دارند، مشخص می‌گردد. هدف اصلی بخش دولتی نیل به منفعت اجتماعی است؛ در حالی که در شرکت‌های خصوصی انگیزه سودآوری محوریت دارد. این موضوع در تصمیم‌گیری بر نحوه تهیه گزارش و دستورالعمل‌ها و چارچوب‌های مورد استفاده تأثیرگذار است (Jones 2010: 6).

پیشینه پژوهش

آدامز (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل داخلی سازمانی مؤثر بر گزارش‌دهی اجتماعی و اخلاقی: ورای نظریات فعلی»، با مصاحبه با هفت شرکت بزرگ چندملیتی در بخش دارویی و صنایع شیمیایی در آلمان و انگلیس، به شناسایی عوامل داخلی سازمانی که ماهیت و قلمرو گزارش‌دهی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند به منظور ارائه مدل جامع‌تری از گزارش‌دهی اجتماعی سازمان با در نظر گرفتن عوامل محیطی و تدابیر سازمانی و نگرش‌های مدیریتی پرداخت. سولومون و لوئیس (۲۰۰۲) در تحقیق خود به نام «محرک‌ها و ضد محرک‌های افشای اطلاعات زیست‌محیطی سازمان»، با اشاره به اینکه به‌رغم وجود استانداردهای گزارش‌دهی همچنان تمایل کمی به ارائه عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت وجود دارد، عوامل ناشی از بازار و فشارهای سیاسی و اجتماعی و میزان پاسخگویی را در ایجاد انگیزه یا کاهش آن در گزارش‌دهی مؤثر معرفی کردند. دلماس و توفل (۲۰۰۴) در مطالعه خود با عنوان «ذی‌نفعان و رویه‌های مدیریت محیطی: چارچوب نهادی»، جهت پاسخ به این سؤال که چرا برخی شرکت‌ها شیوه‌های مدیریت زیست‌محیطی فراتر از الزامات قانونی اتخاذ می‌کنند، با رویکرد نظریه نهادی به تبیین نقش ذی‌نفعان - شامل دولت، قانون‌گذاران، مشتریان، رقبا، جوامع، گروه‌های دوست‌دار محیط

زیست، اتحادیه‌های صنعتی- در اعمال فشارهای اجباری و هنجاری پرداختند. بینگتون و همکارانش (۲۰۰۹) با مطالعه شرکت‌های نیوزلندی و با استفاده از نظریه نهادی به توصیف دلایل ابتکار عمل سازمان‌ها در گزارش‌دهی توسعه پایدار پرداختند و با تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته نتیجه گرفتند که طیف گسترده‌ای از تأثیرات قانونی و هنجاری و شناختی در نهادینه‌سازی گزارش‌دهی پایداری نقش دارند. لیکن حد تأثیرگذاری این عوامل بر شکل‌دهی به تصمیم‌گیری‌های مدیریتی جهت اقدامات گزارش‌دهی پایداری به مجموعه‌ای از انگیزه‌های سازمانی، همچون مشروعیت و پاسخگویی، بستگی دارد. نوپو و همکارانش (۲۰۱۸) با انجام دادن یک تحقیق پیمایشی در ۸۱ شرکت از صنایع مختلف نیجریه نشان دادند مجموعه‌ای از عوامل، شامل فشارهای اجباری و تقلیدی و هنجاری، بر گزارش‌دهی پایداری این شرکت‌ها اثرگذارند و ارتباط معناداری میان سطح گزارش‌دهی پایداری و فشارهای هنجاری و قانونی وجود دارد.

روش‌شناسی

جامعه آماری

بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، در سال‌های اخیر در صنعت نفت به گزارش‌دهی پایداری سازمانی توجه شده است. صنعت نفت به جهت تعامل با ذی‌نفعان متعدد در مناطق نفتی و نیاز به تعامل و کاهش آثار و آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های تولید و بهره‌برداری از منابع نفتی و گازی ناگزیر از مشارکت در مسئولیت اجتماعی بوده است. اما گزارش‌دهی این اقدامات به صورت نظام‌مند چندان به چشم نمی‌خورد.

انتخاب صنعت نفت برای مطالعه در این پژوهش به دلیل اهمیت توجه به مسئولیت اجتماعی سازمانی و گزارش‌دهی عملکرد پایداری در این صنعت است. نخستین اقدامات برای گزارش‌دهی نظام‌مند در صنعت نفت در سال ۱۳۹۲ آغاز شد. این اقدامات در حال حاضر توسط شورای مسئولیت اجتماعی صنعت نفت، که اعضای آن شورای معاونان وزیر هستند، پایش و راهبری می‌شود. در تدوین ساختار سازمانی مسئولیت اجتماعی چهار شرکت اصلی صنعت- یعنی شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز، شرکت ملی پالایش و پخش

فرآورده‌های نفتی، شرکت ملی صنایع پتروشیمی- تشکیل کمیته‌های مسئولیت اجتماعی با حضور نمایندگانی از همه مدیریتهای سازمانی مرتبط در نظر گرفته شده است.

روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

پارادایم پژوهش تفسیرگرایی و رویکرد آن کیفی است. برای اجرای پژوهش از استراتژی مطالعه موردی و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده شد. انتخاب این روش تحلیل به منظور توسعه نظریه نهادی نوین در مسئله پژوهش است. بر این اساس فشارهای اجباری و هنجاری و تقلیدی مقولات اصلی در تحلیل محتوا در نظر گرفته شده است. داده‌ها بر اساس مصاحبه با خبرگان صنعت و بررسی اسناد و متون- شامل گزارش، نقل قول، خبرنامه، مصوبه، و استانداردهای گزارش‌دهی- گردآوری شده است. برای انجام دادن مصاحبه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و افراد بر اساس سابقه خدمت در صنعت و دانش و تجربه مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب و کدگذاری شدند. جدول ۱ مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی خبرگان

کد مصاحبه‌شونده	سابقه فعالیت (سال)	محل فعالیت	تحصیلات	سن	جنس
P ₁	۱۰	معاونت بین‌الملل و بازرگانی وزارت نفت	کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی	۳۷	مرد
P ₂	۱۸	اداره کل سلامت و مسئولیت اجتماعی وزارت نفت	کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی	۴۵	مرد
P ₃	۵	حوزه مشاور اجتماعی وزیر نفت	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	۴۲	مرد
P ₄	۲۵	مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران	کارشناسی ارشد روان‌شناسی	۵۰	زن
P ₅	۲۸	مدیریت هماهنگی و نظارت بر تولید نفت و گاز شرکت ملی نفت ایران	کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی	۵۸	مرد
P ₆	۱۶	مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی مناطق نفت‌خیز	مهندسی صنایع گاز	۳۹	مرد
P ₇	۲۱	مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران	کارشناسی ارشد مهندسی صنایع	۴۳	مرد
P ₈	۳۳	مدیریت HSE شرکت ملی نفت ایران	کارشناسی مهندسی بهداشت صنعتی	۵۵	مرد
P ₉	۲۸	مشاور اجتماعی وزیر نفت	دکترای جامعه‌شناسی	۶۳	مرد
P ₁₀	۱۶	معاونت بین‌الملل و بازرگانی وزارت نفت	دکترای مدیریت قراردادهای نفت و گاز	۴۲	مرد

مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و با طرح چند سؤال اصلی انجام شد. برخی از این سؤال‌ها عبارت‌اند از:

آیا سیاست‌های دولتی و قانون‌گذاران صنعت نفت ایران را مجبور به گزارش‌دهی پایداری می‌کنند؟

آیا صنعت نفت برای ارائه گزارش پایداری از رهبران موفق این صنعت تقلید می‌کند؟

آیا صنعت نفت برای ارائه گزارش پایداری تحت فشار شرکت‌های حسابداری و مؤسسات و تشکل‌های حرفه‌ای و دانشگاهی قرار دارد؟

مصاحبه به طور میانگین یک ساعت و نیم به طول انجامید و محقق پاسخ‌ها را نوشت. سؤالات مصاحبه و داده‌ها بر اساس پاسخ کدگذاری و تحلیل شدند. واحد تحلیل جمله است. همچنین برای پاسخ به سؤالات به بررسی ۲۱ سند منتشره پرداخته شد که هر یک از آن‌ها کدگذاری و بر اساس واحد تحلیل جمله تحلیل شدند.

پاسخ‌های به‌دست‌آمده در قالب جدول جملات کلیدی و مفهوم و مقوله تنظیم و تحلیل شدند (جدول‌های ۲ و ۳).

جدول ۲. نمونه‌ای از جدول کدگذاری پاسخ‌ها و استخراج مفاهیم

کد	جملات کلیدی	مفهوم
P ₃	بعد از ابلاغ نظام‌نامه ایفای مسئولیت اجتماعی مدیران عامل شرکت‌های اصلی مشاور اجتماعی خود را تعیین کردند.	تعیین مشاور اجتماعی
P ₄	در استراتژی‌های اصلی صنعت نفت در حال حاضر (با توجه به محدودیت‌های ناشی از تحریم و منابع مالی) اولویت با تولید است و بعد مسائل اجتماعی؛ یعنی حفظ سازمان، کارکنان، اجتماع.	فقدان اهمیت گزارش‌دهی برای مدیران عامل
P ₁₀	اولویت مدیران نیست یا در رده پایین است.	فقدان اولویت گزارش‌دهی مدیران عامل
P ₈	ساختار سازمان باعث می‌شود دغدغه‌ای از سوی مدیران وجود نداشته باشند. سازمان برای حفظ اموال ساختار تعریف کرده است. اما برای کارکنان هیچ دغدغه‌ای وجود ندارد.	فقدان اهمیت گزارش‌دهی برای مدیران عامل
D ₁₃	صنعت نفت ایران هرچند حمایت‌ها، کمک‌ها، و خدمات گسترده و متنوعی به جامعه (به‌ویژه در مناطق عملیاتی) عرضه کرده است، در این زمینه سلیقه‌ای و پراکنده عمل شده است. این روند، آن‌گونه که باید، به تأثیرگذاری صنعت نفت در جامعه نینجامیده و حتی گاه سبب انفعال روزافزون مدیران نفت در پاسخگویی به انتظارات و نیازهای مردم و سازمان‌ها در مناطق عملیاتی شده است.	فقدان اهمیت گزارش‌دهی برای مدیران عامل
P ₈	در برخی شرکت‌های زیرمجموعه، مدیران عامل و مدیران ارشد به موضوع HSE هیچ توجهی ندارند. در عسلویه، چون عوارض آلاینده‌ی پرداخت می‌شود، حذف آلاینده‌ی دغدغه مدیران محلی نیست.	فقدان اهمیت گزارش‌دهی برای مدیران عامل

جدول ۳. نمونه‌ای از جدول مفهوم-مقوله

مقوله	مفهوم	کد
ساختارهای گزارش‌دهی در صنعت	تعیین مشاور اجتماعی	P ₃
بی‌توجهی مدیران صنعت به گزارش‌دهی	فقدان اهمیت برای مدیران عامل	P ₈ D ₁₃
	فقدان اولویت برای مدیران عامل	P ₈ P ₁₀ P ₄

خلاصه مفاهیم و مقولات استخراج شده به تفکیک نوع فشار نهادی برای پاسخ به سؤالات تحقیق در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. خلاصه مفاهیم و مقولات

مقولات	مفاهیم
فشارهای اجباری	
ساختارهای گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت	مشاور اجتماعی شرکت اصلی شورای عالی مسئولیت اجتماعی صنعت نفت
قوانین و مقررات دولتی ناظر بر گزارش‌دهی پایداری	اساسنامه شرکت ملی نفت مصوب ۱۳۹۵ سیاست‌ها و نظام‌نامه مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت مصوبه شماره ۱۴۴۴۷۹/۴۵۸۸۰ شورای عالی حفاظت محیط زیست قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه ایران قانون بودجه سال ۱۳۹۷
ساختارهای گزارش‌دهی در دولت	دیوان محاسبات کشور سازمان بازرسی کل کشور
فقدان نظارت دولتی بر گزارش‌دهی پایداری	فقدان فشار نظارتی بر عملکرد پایداری شرکت‌های ملی نفت
بی‌توجهی مدیران صنعت به گزارش‌دهی پایداری	فقدان اهمیت گزارش‌دهی برای مدیران عامل فقدان اولویت گزارش‌دهی برای مدیران عامل
فشارهای هنجاری	
بی‌توجهی شرکت‌های حسابرسی به گزارش‌دهی	فقدان استانداردهای حسابرسی در ارزیابی گزارش‌دهی فقدان نهاد حسابرسی مستقل در ارزیابی گزارش‌دهی
توجه مؤسسات حرفه‌ای و دانشگاهی به گزارش‌دهی	ایجاد مدرسه توسعه پایدار توسط دانشگاه صنعتی شریف تدوین شاخص‌های رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر مسئولیت اجتماعی توسط اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
فشارهای تقلیدی	
توجه به گزارش‌دهی داوطلبانه در عرصه بین‌المللی	گزارش‌دهی پایداری در شرکت‌های نفتی خارجی وجود استانداردها و نهادهای گزارش‌دهی پایداری در عرصه بین‌المللی
بی‌توجهی ذی‌نفعان صنعت نفت ایران به گزارش‌دهی پایداری در عرصه بین‌المللی	بی‌توجهی مشتریان و مصرف‌کنندگان به گزارش‌دهی بی‌توجهی تأمین‌کنندگان به گزارش‌دهی بی‌توجهی شرکای خارجی به گزارش‌دهی
عدم احساس نیاز به تقلید و الگوبرداری	ملی بودن صنعت نفت ایران و عدم حضور آن در نهادهای بین‌المللی گزارش‌دهی

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

برای اطمینان از پایایی تحقیق از روش بازآزمایی استفاده شد. بدین ترتیب که پاسخ‌های دریافت‌شده از سه منبع مصاحبه با فاصله زمانی ۱۰ روز بار دیگر کدگذاری شد. تعداد کل کدهای به‌دست‌آمده برابر ۷۸، تعداد کل توافق بین کدها برابر ۷۰، و تعداد عدم توافق بین کدها برابر ۸ بود. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام‌گرفته در این تحقیق ۰/۸۹ به دست آمد و این میزان بیش از ۰/۶۰ و قابل قبول است. برای اطمینان از اعتبار تحقیق، سؤالات مصاحبه بر مبنای پرسش‌های تحقیق نوبو و همکارانش (۲۰۱۸) و با نظرخواهی از چند تن از استادان مدیریت و خبرگان آشنا طرح شد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

عوامل ناشی از فشارهای هنجاری

یافته‌های این تحقیق نشان داد ساختارها و قوانین و مقررات گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت وجود دارد. وجود مقررات گزارش‌دهی پایداری و شورای مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت و همچنین لزوم تعیین مشاور اجتماعی توسط مدیران عامل شرکت‌های اصلی این صنعت شاهد این ادعاست. مقررات گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت عبارت‌اند از سیاست‌ها و نظام‌نامه نحوه ایفای مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت، مصوب ۱۳۹۸/۰۶، که در آن اهداف، قلمرو، تکالیف شرکت‌ها، و نقش واحدها در ایفای مسئولیت اجتماعی و نحوه ارائه گزارش‌های پایداری تبیین شده است؛ همچنین اساسنامه شرکت ملی نفت، مصوب ۱۳۹۵، که در آن به لزوم گزارش‌دهی عملکرد مسئولیت اجتماعی اشاره شده است.

این تحقیق نشان داد برخی قوانین ملی نیز صنعت نفت را به گزارش‌دهی پایداری ملزم می‌کنند که ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر لزوم تهیه پیوست سلامت در طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ توسعه‌ای، از جمله طرح‌های صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه، و مصوبه شماره ۱۴۴۷۹/۴۵۸۸۰ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۰ شورای عالی حفاظت محیط زیست از جمله آن‌هاست.

یافته‌های این تحقیق نشان داد از نظر قانونی دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور وظیفه نظارت بر گزارش‌دهی پایداری را بر عهده دارند. اما در عمل هیچ نظارتی بر گزارش‌دهی پایداری وجود ندارد و شرکت‌های نفتی به دلیل عدم گزارش‌دهی عملکرد پایداری بازخواست نمی‌شوند. علاوه بر این، مدیران نفتی به دلایل گوناگون اهمیت چندانی برای گزارش‌دهی پایداری قائل نیستند.

عوامل ناشی از فشارهای هنجاری

این مطالعه نشان داد سازمان حسابرسی، در مقام متولی ارائه استانداردهای حسابرسی عملکرد پایداری سازمان‌ها، توجهی به گزارش‌دهی پایداری ندارد و استاندارد ملی حسابرسی عملکرد پایداری هنوز تدوین نشده است. با این حال، تشکل‌ها و نهادهای علمی و حرفه‌ای به گزارش‌دهی پایداری توجه دارند. برخی از آن‌ها با استفاده از چارچوب‌های بین‌المللی گزارش‌دهی پایداری، از جمله GRI و استاندارد ISO26000، شرکت‌ها را از نظر گزارش‌دهی پایداری رتبه‌بندی می‌کنند. برخی دیگر با برگزاری دوره‌های آموزشی و همایش‌های تخصصی سعی در تشویق شرکت‌ها به گزارش‌دهی پایداری دارند.

عوامل ناشی از فشارهای تقلیدی

این مطالعه نشان داد صنعت نفت در عرصه بین‌المللی به گزارش‌دهی پایداری توجه دارد. وجود چارچوب GRI در گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت، استانداردهای علمی ISO 26000، هیئت گزارشگری یکپارچه بین‌المللی (IIRC)، هیئت استانداردهای حسابداری پایداری (SASB)، و گفت‌وگوی گزارشگری شرکتی (CRD) شاهد این مدعا است. شرکت‌های نفتی، به خصوص شرکت‌های چندملیتی، به گزارش‌دهی پایداری توجه دارند و پتروناس، توتال، بی‌پی، و شل از پیشگامان این گزارش‌دهی محسوب می‌شوند. همچنین بسیاری از کشورهای نفتی به طرح شفافیت صنایع نفتی ملحق شده‌اند و عملکرد پایداری خود را ارائه می‌دهند (فاضلی ۱۳۹۳). با این حال، صنعت نفت ایران به چند دلیل نیازی نمی‌بیند که از شرکت‌های پیش‌روی این صنعت در عرصه بین‌المللی تقلید کند. زیرا اولاً گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت داوطلبانه است و هیچ فشاری از جانب نهادهای

بین‌المللی برای ارائه این گزارش اعمال نمی‌شود. مضاف بر این، صنعت نفت ایران به دلیل مشکلات ناشی از تحریم اقتصادی در مجامع و نهادهای بین‌المللی حضور ندارد. دوم، ذی‌نفعان بین‌المللی و داخلی این صنعت به گزارش‌دهی اهمیت نمی‌دهند. به بیان دیگر، از میان طیف وسیعی از ذی‌نفعان تنها برخی از ذی‌نفعان محلی، به‌ویژه ساکنان مناطق نفتی و گازی، به پایدار بودن فعالیت‌های این صنعت توجه دارند و سایر ذی‌نفعان، از جمله مشتریان و مصرف‌کنندگان و تأمین‌کنندگان قطعات و تجهیزات و شرکای خارجی، توجهی به ارائه محصولات پایدار ندارند. سوم، صنعت نفت ایران ملی است و شرکت‌های نفتی ایران نیازی به رقابت با یک‌دیگر در عرصه داخلی ندارند.

بحث و نتیجه

هدف از این مطالعه شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت ایران بود. یافته‌ها نشان داد این صنعت در معرض فشارهای اجباری و هنجاری برای ارائه گزارش‌دهی پایداری قرار دارد. اما در معرض فشارهای تقلیدی نیست. فشار اجباری از طریق مجموعه‌ای از قوانین و ساختارهای دولتی و درون‌صنعتی شرکت‌های نفتی را موظف به ارائه گزارش‌های پایداری می‌کند. با این حال فقدان نظارت مؤثر و بی‌توجهی مدیران به ارائه این گزارش‌ها این فشارها را تعدیل می‌کند و از اثربخشی آن‌ها می‌کاهد. فشار هنجاری از سوی انجمن‌ها و تشکل‌های علمی و حرفه‌ای وارد می‌شود. اما فقدان استانداردهای حسابداری و حسابرسی عملکرد مسئولیت اجتماعی اثربخشی این فشارها را کاهش می‌دهد؛ به‌ویژه آنکه در حال حاضر به دلیل ملاحظات مالیاتی امکان استفاده از استانداردهای حسابداری و حسابرسی عملکرد مسئولیت اجتماعی در ایران وجود ندارد. شرکت‌های نفتی در ایران به دلایل گوناگون، از جمله ملی بودن، در معرض فشارهای تقلیدی نیستند.

یافته‌های این تحقیق هم‌سو با یافته‌های نوبو و همکارانش (۲۰۱۸)، جونپور و همکارانش (۲۰۱۷)، و اسالو و همکارانش (۲۰۱۲) نشان داد فشارهای تقلیدی تأثیری بر گزارش‌دهی پایداری ندارند. مطالعه نوبو و همکارانش (۲۰۱۸) درباره عوامل نهادی مؤثر

بر گزارش‌دهی پایداری در صنایع گوناگون نیجریه نشان داد عوامل اجباری و هنجاری بر گزارش‌دهی پایداری اثر دارند و میان این فشارها همبستگی وجود دارد. اما فشارهای تقلیدی تأثیری بر این گزارش‌دهی ندارند. مطالعه جونپور و همکارانش (۲۰۱۷) با بررسی میان دو شرکت نفتی رپسول اسپانیا و پتروبراس برزیل نشان داد شرکت‌های نفتی در زمینه استراتژی و اقدامات و عملکرد مربوط به مدیریت پایداری از یک‌دیگر تقلید نمی‌کنند. تحقیق اسالو و همکارانش (۲۰۱۲) درباره شرکت‌های نفت و گاز نیجریه نشان داد گزارش‌دهی پایداری در این شرکت‌ها منطبق بر تجربیات شرکت‌های موفق بین‌المللی نیست. این گزارش‌ها بیشتر دلخواهی بوده و معیارهای منعکس شده در آن‌ها متناقض است. با این حال، بر اساس برخی مطالعات، فشارهای تقلیدی بر گزارش‌دهی پایداری اثر دارند. تحقیق گوسوامی و لودیا (۲۰۱۲) نشان داد گرچه فشارهای شبه‌اجباری مهم‌ترین عامل نهادی مؤثر بر گزارش‌دهی پایداری هستند، فشارهای هنجاری و تقلیدی نیز بر این گزارش‌دهی تأثیر می‌گذارند. مطالعه پدرسن و همکارانش (۲۰۱۴) و دلماس و توفل (۲۰۰۴) نشان داد فشارهای تقلیدی در کنار فشارهای اجباری بر عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند.

دانش‌افزایی تئوریکی تحقیق آن بود که نشان داد اولاً درباره نقش فشارهای تقلیدی در گزارش‌دهی پایداری اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر این سؤال را مطرح می‌کند که آیا نقش عوامل تقلیدی در گزارش‌دهی پایداری وابسته به زمینه است؟ به بیان دیگر آیا فشارهای تقلیدی برای ارائه گزارش پایداری از یک صنعت به صنعت دیگر، از یک کشور به کشور دیگر، و از یک سازمان به سازمان دیگر متفاوت است؟ پاسخ به این سؤال ایجاب می‌کند که مطالعه در مورد نقش فشارهای تقلیدی در گزارش‌دهی پایداری در صنایع، کشورها (توسعه یافته و توسعه نیافته)، و سازمان‌های گوناگون (عمومی، خصوصی، مردم‌نهاد) در دستور کار محققان قرار گیرد. ثانیاً، ملّی بودن صنعت در عدم احساس فشارهای تقلیدی اثر می‌گذارد. با این حال، چون این تحقیق با روش کیفی انجام شد و تعداد متون و مصاحبه‌های آن محدود بود، قدرت تعمیم این یافته، همانند سایر یافته‌های

این تحقیق، محدود است. بهبود قدرت تعمیم این یافته در گرو تحقیقات بیشتر در زمینه نقش عمومی یا خصوصی بودن سازمان در اثرگذاری فشارهای تقلیدی بر گزارش‌دهی پایدار در صنایع و کشورهای گوناگون است.

دانش‌افزایی کاربردی تحقیق آن بود که نشان داد فقدان نظارت جدی بر ارائه گزارش پایداری و فقدان معیارهای حساسی استاندارد برای ارزیابی عملکرد پایداری دو عامل مهمی هستند که تأثیر سایر فشارهای اجباری و هنجاری را بر گزارش‌دهی پایداری در صنعت نفت ایران کاهش می‌دهند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تدوین معیارهای حساسی برای ارزیابی عملکرد پایداری شرکت‌های نفتی و اهتمام به نظارت جدی بر ارائه گزارش پایداری توسط آن‌ها در دستور کار خط‌مشی‌گذاران و مدیران دولتی به طور عام و نهادهای نظارتی به طور خاص قرار گیرد.

منابع

- اکبری، محسن؛ مصطفی ابراهیم‌پور؛ میلاد هوشمند چایجانی (۱۳۹۵). «تأثیر عوامل نهادی بر عملکرد پایدار بنگاه‌ها»، چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ش ۲۸، صص ۸۱ - ۱۰۰.
- رحمتی، محمدحسین؛ حسین خنیفر؛ علی فیاضی آزاد (۱۳۹۶). «طراحی مدل عوامل مؤثر بر مسئولیت اجتماعی شرکت ملی نفت ایران»، مدیریت سرمایه اجتماعی، د ۴، ش ۲، صص ۶۳۱ - ۶۸۶.
- زاهدی، شمس‌السادات؛ غلام‌علی نجفی (۱۳۸۵). «بسط مفهومی توسعه پایدار»، علوم انسانی، د ۱، ش ۴، صص ۴۳ - ۷۶.
- سلطان‌زاده، وحید؛ حسن قلاوندی؛ میرمحمد سیدعباس زاده (۱۳۹۴). روابط ساده و ترکیبی بین جامعه‌پذیری سازمانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (مطالعه موردی: کارکنان دانشگاه ارومیه)، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، د ۶، ش ۱(۲۱)، صص ۱۶۷ - ۱۸۹.
- فاضلی، مرجان (۱۳۹۳). «نقش مؤلفه شفافیت در تحقق توسعه پایدار منابع نفت و گاز»، همایش ملی نفت و توسعه اقتصادی، خبرگزاری فارس / دیدگاه‌ها / اقتصاد و حقوق، ۵/۴/۱۳۹۳، ساعت: ۰۱:۴۷، لینک مطلب: farsnews.com/news/1393/0402000021
- کردلو، محمدرضا؛ اشکان رحیم‌زاده؛ بهزاد محمدی (۱۳۹۶). «ضرورت تهیه گزارشگری پایداری؛ اصول و ساختار آن»، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، دوره جدید، ش ۲، صص ۱۶۷ - ۱۷۶.

References

- Adams, C.A. & McNicholas, P. (2007). "Making a difference: sustainability reporting", *accountability and organizational change*, Vol. 20, pp. 382-402.
- Adams, C.A. (2002). "Internal organizational factors influencing corporate social and ethical reporting: Beyond current theorizing", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 15(2), pp. 223-250.
- Akbari, M., Ebrahimpour, M., & Hooshmand Ch., M. (2016). "Influence of Institutional Factors on Sustainable performance of Firms", *journal of Business Management*, Vol. 28, pp. 81-100. (in Persian)
- Asaolu, T. O., Agboola, A. A., Ayoola, T. J., & Salawu, M. K. (2012). "Sustainability reporting in the Nigerian oil and gas sector", *COLERM Proceedings*, Vol. 1, pp. 61-84.
- Ball, A. & Grubnic, S. (2007). "Sustainability accounting and accountability in the

- public sector”, *Sustainability Accounting and Accountability*, Routledge, UK, pp. 243-265.
- Bebbington, J. Higgins, C., & Frame, B. (2009). “Initiating sustainable development reporting: evidence from New Zealand”, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 22, No. 4, pp. 588-62.
- De Villiers, C. & van Staden, C.J. (2006). “Can less environmental disclosure have a legitimising effect? Evidence from Africa”, *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 31, Issue 8, November 2006, pp. 763-781.
- Delmas, M.A., & Toffel, M.W. (200۴), *Stakeholders and environmental managements practices: An institutional framework*, Business Strategy and the environment, Vol. 13, Issue 4, Special Issue: Innovating for Sustainability, pp. 209-222.
- Dobbs, S. & van Staden, C. (2016). “Motivations for corporate social and environmental reporting: New Zealand evidence”, *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, Vol. 7, No. 3, pp. 449-472.
- Fazeli, M. (2015). The Role of Transparency Factor in the fulfillment of Oil and Gas Resources’ Sustainability Development, (Conference Article), Fars News Agency/Views/ Economic and Law, Webpage Link: farsnews.com/news/1393/0402000021.
- Findik, M. & Beduk, A. (2014). “Organizational isomorphism in the context of institutional theory, *IJSES*, pp. 27-33.
- Goswami, K & Lodhia, S. (2014). Influences on sustainability reporting practices in selected South Australian local councils: An explanatory case study. 11th A-CSEAR Conference. Australia: Adelaide.
- Guthrie, J. & Farneti, F. (2008). “GRI sustainability reporting by Australian public sector organizations”, *Public Money & Management*, 28(6), pp. 361–366.
- Hutchins, M. J. & Sutherland, J.W. (2008). “An Exploration of Measures of Social Sustainability and Their Applications to Supply Chain Decisions”, *Journal of Cleaner Production*, Vol. 16, pp. 1688-1698.
- Jones, H. (2010). Sustainability reporting matters: What are national governments doing about it? Association of Certified Chartered Accountants (London), pp. 1-36.
- Junior, F.H., BarbaraGalleli, B., Gallardo-Vázquez, D., & M. Sánchez-Hernández, M. (2017). “Strategic aspects in sustainability reporting in oil & gas industry: The comparative case-study of Brazilian Petrobras and Spanish Repsol”, *Ecological Indicators*, Vol. 72, pp. 203-214.
- Kordlou, M., Rahimzadeh, A., & Mohammadi, B. (2017). “The Necessity of Sustainability Reporting; Principles and its Structure”, *Journal of New Researches in Management and Accounting*, No. 2, pp. 167-176. (in Persian)
- Leonidas, P., Geitona Mary, G., Theofilos, P., & Amalia, T. (2012). “Managers’ Perceptions and Opinions towards Corporate Social Responsibility (CSR) in Greece”, *Procedia Economics and Finance*, Vol. 1, pp. 311–320.
- Liang, H., Saraf, N., Hu, Q., & Xue, Y. (2007). “Assimilation of Enterprise Systems: The Effect of Institutional Pressures and the Mediating Role of Top

- Management”, *MIS Quarterly*, Vol. 31, No. 1, pp. 59-87.
- Nwobu, A., Iyoha, F., & Owolabi, A. (2018). “Managerial perceptions of corporate sustainability reporting determinants in Nigeria”, *Journal of Business and Retail Management Research (JBRMR)*, Vol. 12(2), pp. 72-82.
- Pedersen, E. R., Neergaard, P., Pedersen, J. T., & Gwozdz, W. (2013). “Conformance and Deviance: Company Responses to Institutional Pressures for Corporate Social Responsibility Reporting”, *Business Strategy and the Environment*, Vol. 22, Issue6, pp. 357-373.
- Rahmati, M., Khanifar, H., & Fayyazi-Azad, A. (2017). “Modeling the Influencing Factors on Social Responsibility of National Iranian Oil Company”, *Journal Of Social Capital Management*, Vol. 4, No. 2, pp. 181-197. (in Persian)
- Scott, W.R. (2008). “Institutions and Organizations: Ideas and Interests”, 3rd ed, *Sage Publications*, Los Angeles, CA.
- Solomon, A. & Lewis, L. (2002). “Incentives and Disincentives for Corporate Environmental Disclosure”, *BusinessStrategy and the Environment*, Vol. 11, pp. 154-169.
- Soltanzadeh, V., Gholavandi, H., & Seyyedabbaszade, M. (2015). “Simple and Multiple Relationship between Organizational Socialization and Social Responsibility (A Case Study of Staff of Urmia University)”, *Journal of New Approaches in Educational Administration*, Vol. 6, No. 1 (21), pp. 167-189. (in Persian)
- Tavares, M. (2018). Analysis of GRI Sustainability Reports Issued by Portuguese Public Sector Entities, University of Aveiro, Portugal, pp. 1-41.
- Uwaoma, Ironkwe, Ordu, & Promise, A. (2016). “Environmental Reporting in the Oil and Gas Industry in Nigeria”, *International Journal of Research in Business Studies and Management*, Vol. 3(11), pp. 1-21.
- Vinke, J. (2014). “Sustainability Reporting in the United Arab Emirates: Institutional Insights”, *DBA Thesis, Heriot-Watt University, Edinburgh Business School*.
- Zahedi, SH. & Najafi, Gh. (2006). “Sustainable Development, AConceptual Framework”, *Journal of Human Sciences*, Vol. 10, No. 4 (TOM 49), pp. 43-76. (in Persian)
- Zunker, B. (2011). “Determinants of the Voluntary Disclosure of Employee Information in Annual Reports: An Application of Stakeholder Theory, Doctoral Thesis”, *Bond University*, Australia.